

دیدم شهاب بی سری تا اوج می رفت  
دریای خون با لایه های موج می رفت  
اسب سفیدی بی حضور نور می تافت  
تا نا کجا تا دورهای دور می تاخت  
ماه محرم سینه ها را چاک کردند  
خورشید را بی سر ولی در خاک کردند  
فریادها می جوشد امشب از خم نای  
وای من ای وای من ای وای من ای وای  
خورشید در شطّ شفق در خون شناور  
خورشید بی سر، عشق بی سر، لاله بی سر  
باز امشب، امشب جوی خون در خاک جوشید  
آلاله، جرعه جرعه از خوناب نوشید  
باز امشب، امشب نخلها را سر بریدند  
امشب تمامی کبوترها شهیدند  
فریادها می جوشد امشب از خم نای  
وای من ای وای من ای وای من ای وای